

پیچیدگی آموزش و توسعه درون‌زا



علیرضا صابری*

نسبت آموزش و توسعه

در چند دهه اخیر، اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی در جهان به سرعت دچار تحول شده است. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، چهره‌ای پیدا کرده است که کوچک‌ترین شباهتی به شکلی که قبلاً داشت، ندارد؛ این دنیا نه تنها امکانات و عوامل تصوراتناپذیر و حیرت‌انگیزی در خود نهان کرده است، بلکه خطرهای هولناکی نیز با خود به همراه آورده است. (برزنیکا، ۱۳۷۱: ۳)

شاید بتوان ادعا کرد در چنین دنیایی، توسعه در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاری بسیار سخت و در عین حال حساس است و نقش برخی از نهادهای کشور در مسیر تحقق توسعه انکارناپذیر است. یکی از این نهادها، نظام آموزش و پرورش (اعم از آموزش رسمی و غیررسمی، آموزش عمومی و عالی و آموزش حرفه‌ای) است.

آموزش و پرورش منطقاً عاملی است که مردم را در جوامع مختلف هوشیارتر، باسوادتر و اخلاقی‌تر می‌کند و از این‌رو حامل برترین آرمان‌های بشری است و در نتیجه حیاتی‌ترین ابزار در مسیر نیل به توسعه پایدارتر تلقی می‌شود. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولیدات جامعه به کار گرفته می‌شود. (کاشانی، ۱۳۹۲: ۸۴)

دانش و دانایی ملی، رکن اصلی توسعه و نظام آموزشی هم‌گذرگاه نیل به دانایی ملی به‌شمار می‌آید؛ لذا آموزش و پرورش یکی از اضلاع توسعه کشورها محسوب می‌شود و از این‌رو دولت‌ها هنگام طراحی برنامه‌های تسریع توسعه خود، بر آموزش و پرورش و سیاست‌های آموزشی بسیار تأکید می‌کنند؛ و امروزه کسی منکر نقش و جایگاه آموزش و پرورش در ارتباط با توسعه نیست. مطالعات بین‌المللی نشان داده است بین رشد اقتصادی و توسعه آموزش و پرورش، رابطه مستقیمی وجود دارد. این مطالعات نشان داده‌اند که توسعه اقتصادی و توسعه آموزش و پرورش، به‌خصوص در سطح متوسطه و دانشگاه، به یکدیگر وابسته‌اند. (فیوضات، ۱۳۷۳: ۲۴) آنچه می‌توان پذیرفت این است که آموزش و پرورش و توسعه و در نتیجه مسائل آموزش و پرورش و مسائل توسعه به یکدیگر وابسته و پیوسته‌اند.

اما آیا همچنان که این موضوع در اکثر نظام‌های آموزش و پرورش جهان پذیرفته شده است، در کشور ما هم مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا مسائل و برنامه‌های

آموزش و پرورش و راه‌حل‌های ارائه شده برای آن، در راستای توسعه کشور بررسی می‌شود؟ آیا روند و مسیر حل مسائل آموزش و پرورش به تناسب مسائل توسعه‌ای کشور پیگیری می‌شود یا اینکه مسیر حل مسائلش از برنامه‌ها و مسائل توسعه‌ای کشور به دور است؟ آیا در نگاه به نظام آموزش و پرورش، اقتضائات محلی و منطقه‌ای و ملی مورد توجه قرار می‌گیرد؟ و دهها سؤال دیگر که می‌تواند در اینجا مطرح شود.

در اینجا قصد نداریم ادعا نماییم که برنامه‌های آموزش و پرورش کشور ما به دور و منفک از برنامه‌های توسعه است، بلکه درصدد آنیم که ببینیم آیا روش‌های پرداختن به مسائل آموزش و پرورش و روش‌های سیاست‌گذاری‌های آموزشی متناسب با ایدئولوژی و اقتضائات بومی، منطقه‌ای، فرهنگی و اجتماعی کشور است یا صرفاً اقتباسی است؟ آیا تجربیات جهانی می‌تواند راهگشای نظام آموزش و پرورش ما در این زمینه باشد یا خیر؟

دو نگاه به توسعه

اگر نگاهی به تحولات کشورهای مختلف بیندازیم، درخواهیم یافت اکثر کشورهای جهان برای قد علم کردن، استقلال و هویت خود را از استعمارگران طلب نموده‌اند. مشکل این کشورها، دست‌یابی به الگویی مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی بود که با ویژگی‌ها و شرایط اقلیمی کشورشان مطابقت داشته و با آن هماهنگ و متجانس باشد. کاملاً روشن است که تجارب کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی در امر عمران و صنعتی شدن، به لحاظ ویژگی‌ها و شرایط به‌خصوص آن کشورها، ساختار و بافت اجتماعی و فرهنگی، شرایط اقلیمی و دیگر مسائل، نمی‌توانست برای کشورهای نوپا و جدیدالتأسیس راهگشا باشد و الگو قرار گیرد. (مایر، ۱۳۶۸: ۱)

لذا در یک نگاه می‌توان دریافت که عدم کاربرد یا به‌کارگیری الگوها در بررسی و حل مسائل آموزش و پرورش ناشی از ماهیت مسائل مبتلی به این کشورها است و حکایت از این دارد که دو نگاه به مفهوم توسعه می‌تواند وجود داشته باشد: نگاه اول که به تفکر «برون‌زایی» توسعه اشاره می‌کند و در نتیجه غیربومی است و از خارج القاء می‌شود. دلایل عمده‌ای که در توجیه این روش ارائه شده است، یکی تسریع فرایند توسعه و دیگر تنوع ابعاد آن است. امروز همه ما خطرهای ناشی از این گونه «تزریق تمدن» را به کشورهای در حال توسعه کم و بیش احساس کرده‌ایم و فریادهای مظلومانه این جوامع را نیز در برگشت به فرهنگ اصیل سنتی و بازیابی هویت از دست رفته خود به کرات شنیده‌ایم. (مایر، ۱۳۶۸: ۵)

نگاه دوم به تفکر «دورن‌زا» اشاره می‌کند و در نتیجه نوعی تحول و تفکر خودجوش است که از داخل صورت می‌گیرد؛ لذا شاید با پذیرش نگاه دوم بتوان به تحلیل مسائل توسعه و آموزش و پرورش پرداخت؛ زیرا با نوع نگاه اول،